

شماره: ۲۹

۲۰ شوال المکرم ۱۴۲۶

مجموعه مباحث اخلاقی

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

دست یابی به کمال

دور از خانه ائمه اطهار؟!

الحمد لله ربّ العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«إلهي أتراك بعد الإيمان بك تعذبني أم بعد حبي إيتك تبعدني أم مع رجائي لرحمتك وصفحك تحرمني أم مع استجارتى بعفوك تسلمنى حاشا لوجهك الكريم أن تخيبنى ليت شعري الشفاء ولدتني أمي أم للعناء ربّتي» .
این جملات از فرمایشات امام سجاد علیه السلام در مناجات ثلثه « مناجات الخائفين » می باشد. گاهی امام سجاد علیه السلام از زبان یک تائب پشیمان سخن می گوید؛ مناجات التائبین، گاهی از جانب یک شاکی پریشان حرف می زند؛ مناجات الشاكين، گاهی از زبان خائفی وحشت زده با خدا راز و نیاز می کند؛ مناجات الخائفين و گاهی از زبان امیدواری مصرّ و طمّاع سخن می گوید؛ مناجات الراجين .

همانگونه که جسم ما برای بقا، رشد و کمال به غذا محتاج است، روح هم برای زنده ماندن و طی کردن مسیر کمال به تغذیه محتاج است. پیوند با ذات اقدس ربوبی، مناجات و گفتگو با خدا باعث تقرب به ذات اقدس الهی و غذای روح است. گاهی غذا، غذای لذیذ است؛ گاهی سفره، سفره ای رنگین و مشتمل بر اغذیه رنگین و واقعاً مفید است. گاهی هم یک شبه غذاهایی داخل سفره می گذارند که فقط شکم

پر کن است .

روایتی از امام صادق علیه السلام ذیل آیه شریفه ﴿ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴾^(۱) نقل شده است امام صادق علیه السلام فرموده اند: « فلينظر الإنسان إلى طعامه قال : قلت ما طعامه ؟ قال عليه السلام : علمه الذي يأخذه ، عمن يأخذه »^(۲) یعنی منظور از آیه شریفه که می فرماید : باید انسان به غذای خود توجه کند ، این است که توجه کند علمی را که بدست می آورد از چه طریقی می باشد . باید ببیند از دست چه کسی غذا را دریافت می کند ؟ آیا دستی که از آن علم و غذای روح خود را دریافت می کند آلوده نمی باشد ؟ چگونه در مورد غذای جسم دقت می کنیم و اگر از سلامتی غذا مطمئن نباشیم از آن استفاده نمی کنیم . ما موظف به توجه فوق العاده در خصوص غذای روح خود می باشیم ، زیرا منشأ انحراف همین بی توجهی می باشد .

با کمال تأسف در حال حاضر بازار تغذیه روحی از غیر در خانه وحی آن هم در حوزه علمیه بسیار داغ شده است . در حالی که فلسفه وجودی حوزه ، تبیین معارف اهل بیت علیهم السلام است اما عده ای در حوزه به جاهایی می روند که فقط شبهه غذا است . غذاهایی است که شکم را پر می کند . اینگونه غذاها مغذی ، تقویت کننده و کمال آفرین نمی باشد بلکه مضر و فاسد کننده روح است . دو نفر محضر امام باقر علیه السلام رسیدند . حضرت فرمودند : « شرقاً و غرباً فلا تجدان علماً صحيحاً إلا شيئاً خرج من عندنا أهل البيت »^(۳) اگر شرق و غرب عالم را جستجو کنی علمی صحیح جز

۱ - سوره عبس ، آیه ۲۴ .

۲ - کافی ج ۱ ، ص ۴۹ و ۵۰ ، حدیث ۸ .

۳ - کافی ج ۱ ، ص ۳۹۹ ، حدیث ۴ .

آنچه از خانه اهل بیت منتشر شده، پیدا نمی‌کنید. این کلام امام علیه السلام مفهوم دارد. یعنی هر علمی از منبعی جز اهل بیت علیهم السلام غیر صحیح است.

وقتی به جای مکتب اهل بیت علیهم السلام به منبع دیگری مرتبط و متصل شد، در نتیجه حتی در مورد فرعون خواهد گفت: **فَقَبْضَهُ (أَيَ الْحَقِّ) طَاهِرًا مَطْهَرًا** (لیس فيه شيء من الخبث لأنه قبضه عند إيمانه قبل أن يكتسب شيئاً من الآثام والإسلام يجب ما قبله) ^(۱) خداوند او را پاک و پاکیزه قبض روح کرد. به راستی این فرعون پاک و پاکیزه! در قرآن و دیگر نصوص چگونه توصیف شده است؟ آیات محکمات و روایات صحیحه بسیاری در لعن و مذمت فرعون وجود دارد. کسی که **﴿ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي ﴾** ^(۲) می‌گوید؛ (یعنی هیچ خدایی جز خود، برای شما نمی‌شناسم). **﴿ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى ﴾** ^(۳) می‌گوید. نتیجه‌اش هم اینکه خداوند در مورد او فرمود: **﴿ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ﴾** ^(۴) (یعنی: از این رو خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت).

گویا فرعون هم قائل به وحدت وجود بوده! زیرا کلام فرعون همان کلام وحدت وجودی‌ها می‌باشد. وقتی حالات و کلمات وحدت وجودی‌ها و یا حلاج و خرقانی و دیگر متفلسفین را مطالعه‌نمائید، چیزی جز اینگونه اباطیل نمی‌یابید. لذا هر معرفتی جز آنچه از مکتب اهل بیت علیهم السلام باشد، ضلالت است. زیرا با توجه به روایات نقطه برابر هدایت، ضلالت است.

۱ - ممدالهمم فی شرح فصوص الحکم، فص موسوی، ص ۵۴۶.

۲ - سورة القصص، آیه ۳۸.

۳ - سورة النازعات، آیه ۲۴.

۴ - سورة النازعات، آیه ۲۵.

هدایت ، تنها شأن اهل بیت علیهم السلام

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَيَّ الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي﴾^(۱) خداوند می فرماید:

آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که خود هدایت نمی شود، مگر هدایتش کنند؟! بر اساس مبانی همین مکاتب ضالّه معطی شیء نمی تواند فاقد شیء باشد. هدایت شده ، توانایی هدایت گری دارد. امام باقر علیه السلام فرمودند: ما هم اگر می خواستیم از پیش خودمان حرف بزنیم اباطیل بود.

﴿هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾^(۲). امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: نماز می خوانند ، روزه می گیرند ، اما مسیری که برای معرفت می روند مسیر اشتباهی است. این چگونه مسلکی است که می خواهیم با خدا ارتباط برقرار کنیم ولی حاصل حرف آقایان این می شود که:

مسلمان گر بدانستی که بت چیست بدانستی که دین در بت پرستی است
آیا این توحیدی است که از خانه اهل بیت علیهم السلام بیرون می آید؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: «من زعم أن الله عز وجل في شيء أو من شيء أو على شيء فقد كفر»^(۳).

یعنی: هر کس تصوّر نمود که خداوند تبارک و تعالی داخل در چیزی است یا از چیزی است و یا بر چیزی است همانا مشرک شده است. با دقت در این روایت ، چگونه می توان حلول را پذیرفت؟ به نظر می رسد اصل مسلک و بنیانگذار آن همان

۱- سوره یونس ، آیه ۳۵.

۲- سوره کهف ، آیه ۱۰۳ و ۱۰۴.

۳- کافی ، ج ۱ ، ص ۱۲۸ ، حدیث ۹.

فرعون است .

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «إلهي أتراك بعد الإيمان بك تعذبني» ایشان از زبان یک خائف وحشت زده اینگونه به محضر خداوند عرضه می دارد، خدایا! آیا بعد از آنکه به تو ایمان آوردم، مرا عذاب می نمایی؟ مگر نه آنکه عذاب مخصوص کفار است. من که به تو ایمان دارم و با تمام وجود لا اله إلا الله می گویم.

به این آیات دقت نمائید؛ ﴿فَأَعَذِبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا﴾^(۱)، ﴿لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا﴾^(۲)، ﴿بَشِيرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^(۳) خداوند در این آیات صریحاً عذاب را مختص به کفار و منافقین می شمارد. آنانکه یا صریحاً می گویند که ما کافر هستیم، یا آنکه به دروغ اظهار ایمان می نمایند و وقتی به نزد کفار می روند، می گویند ما با شما هستیم ﴿وَإِذَا حَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ﴾^(۴).

این معارفی که از فرمایشات امام سجاد علیه السلام استفاده می شود ریشه در وحی دارد. زیرا اینان اهل بیت وحی می باشند ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾^(۵) ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾^(۶) مؤمن عالم خوف دارد و می ترسد. حالا ثمره این ترس چیست؟ و چرا می ترسد؟ ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ

۱ - سورة آل عمران، آیه ۵۶.

۲ - سورة نساء آیه ۳۷.

۳ - سورة نساء، آیه ۱۳۸.

۴ - سورة بقره، آیه ۱۴.

۵ - سورة انفال، آیه ۲.

۶ - سورة فاطر، آیه ۲۸.

مَخْرَجًا ﴿١﴾ ﴿إِنْ تَنْقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ ﴿٢﴾ با توجه به این آیات ثمره این ترس گشایش و بصیرت می‌باشد. گشایش در سایه بصیرت حاصل می‌گردد. انسان جاهل و بی بصیرت قطعاً توانایی عمل صحیح ندارد. کسی هم که توانایی عمل صواب نداشته باشد خطا می‌کند و گرفتار می‌گردد. «من كان بالله أعرف كان من الله أخوف» ﴿٣﴾ هر چه معرفت بالا برود خوف بیشتر می‌شود. هر چه شناخت به ذات اقدس ربوبی عمیق تر شود خوف هم بیشتر می‌شود.

یکی از مواظب به فرزندش این است که «خف الله خيفة لو جئته ببر الثقلين لعذبك» ﴿٤﴾ یعنی اگر سرمایه خوبی‌های جن و انس در پرونده تو باشد وقتی در پیشگاه خدا قرار می‌گیری اینگونه حساب کن که ممکن است تو را عذاب کند. «وارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلين لرحمك» ﴿٥﴾ یعنی طوری به رحمت خداوند ایمان داشته باش که اگر در پرونده تو گناه جن و انس باشد باز هم تو را خواهد بخشید.

«ليس من عبید مؤمن إلا وفي قلبه نوران، نور خيفة ورجاء» در واقع خوف و رجاء، بیم و امید دو نیروی هستند که برای کمال جویی به هر دوی آنها نیاز می‌باشد و هر یک بدون دیگری باعث تباهی می‌شود. اگر ترس بیشتر شود، یأس حاکم می‌شود و اگر رجاء زیادتر شود، طغیان می‌کنیم. «من خاف الله أخاف الله منه

۱ - سورة طلاق، آیه ۲.

۲ - سورة انفال، آیه ۲۹.

۳ - بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۹۳، حدیث ۶۴.

۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۱۶، حدیث ۲۰۳۱۱.

۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۱۶، حدیث ۲۰۳۱۱.

کل شیء»^(۱) هر کس خدا ترس باشد، آنگاه خداوند به او نیرویی عطامی کند که همه کسانی که از خدا پروایی ندارند، از او خوف داشته باشند. لذا یک روحانی دست خالی مؤمن متدین خائف از خدا می تواند قدرتمندترین قدرتها را متزلزل کند. عکس این مسئله هم صادق است. «من لم يخف الله أخافه الله من كل شيء»^(۲) یعنی اگر کسی از خداوند نترسد و پروای الهی نداشته باشد، آنگاه از هر کوچک و بزرگی می ترسد. اگر از خدا نترسد از سایه خودش هم می ترسد. ولی اگر از خدا خائف شد، از هیچ چیز نخواهد ترسید. سرگذشت‌های فراوان در حالات اهل معرفت و بزرگان و علماء و فقهای شیعه موید این مطلب است. دستگاههای حاکم هر عصر از آنها متوحش بوده در مقابلشان خاضع بودند. مرحوم حاج ملا علی کنی رحمته الله با یک پیغام دستگاہ قاجاریه را متزلزل می کرد.

«الخوف سجن النفس و رادعها عن المعاصي»^(۳) ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ و جل، خوف، ترس، وحشت به معنای حبس کردن آن طاغیه داخل نفس انسانی است. ترس از خدا توانایی به انسان می دهد که انسان قادر به کنترل نفس می گردد. اگر این نفس را حبس کرد آن وقت زمام نفس را به دست می گیرد. بنابر این خوف در آیه شریفه و فرمایش امام سجاد علیه السلام و روایاتی که بیان شد اساساً بازگشت به کنترل و مهار کردن این طاغیه درونی دارد و آلا خدا رحیم، رحمان، غفار و کریم است. همه اوصاف جمالیه از آن ذات اقدس ربوبی

۱- کافی ج ۲، ص ۶۸، حدیث ۳.

۲- همان.

۳- غرر الحکم، ص ۱۹۰، حدیث ۳۶۸۲.

است. خدا یک موجود موحش و ترسناک نیست. خداوند یک دیو سرکش نیست. ترس به این نفس اماره درونی باز می‌گردد. این نفس اماره مبادره به خطیئه و علاقمند به طغیان و سرکشی و گناه، این با وصف خوف مهار می‌شود هر کس ترس و خوفش از خداوند کم شد گناهان او بسیار می‌گردد: « من قلّت مخافته کثرت آفته »^(۱).

امام صادق علیه السلام در آن روایت فرمودند: « إنَّ الإیمان له عشر درجات بمنزلة السُّلم »^(۲) ایمان مانند نردبان دارای ده مرتبه است. خوف هم دارای مراتب است هر چه ایمان بیشتر باشد، خوف هم بیشتر خواهد بود. هر چه ایمان ضعیف‌تر باشد، خوف کمتر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند داخل مسجد، جوانی را دیدند آنقدر اشک ریخته، نماز خوانده و با خدا مناجات کرده که آثار ضعف بر او کاملاً نمایان است. حضرت به او فرمودند: « کیف أصبحت » گفت: « یا رسول الله! أصبحت موقناً » پیامبر فرمودند: علامت این یقین چیست؟ گفت: مثل آنکه بهشت را در حالی که نیکان در حال بهره برداری از نعمات الهی هستند می‌بینم و همچنین جهنم را می‌بینم، در حالی که گناهکاران در آن به عذاب الهی گرفتار هستند^(۳). این عالیترین مرتبه ایمان است. اگر به این مرتبه برسیم که هر لحظه بهشت و جهنم را ببینیم، دیگر امکان تخطی و تخلف نیست. اما اگر مخافه ضعیف شد، آفات زندگی ایمانی انسان فراوان خواهد بود.

در دعای ابو حمزه می‌خوانیم « إذا رأیت مولای ذنوبی فزعتُ » خداوندا!

۱- غرر الحکم، ص ۱۹۰، حدیث ۳۶۹۳.

۲- أصول کافی، ج ۲، ص ۴۴.

۳- أصول کافی، ج ۲، ص ۵۳.

به اعمال خود نگاه می‌کنم، به فزع در می‌آیم. فزع نهایت تأثر است، یعنی فریاد می‌کشم. آنقدر خلاف و گناه کرده‌ام که خود نیز توانایی روبه‌رو شدن با آنها را ندارم. «إِذَا رَأَيْتَ كَرَمَكَ طُمَعْتَ» اما گناهانی که انجام داده‌ام، در مقابل یک کریم بوده است لذا مأیوس نمی‌شوم. نه تنها مأیوس نمی‌شوم، بلکه طمع هم زیاد می‌شود. چون نه تنها او می‌بخشد بلکه پاداش هم می‌دهد. ﴿يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾^(۱) کسی که توبه نمود خداوند گناهان او را به حسنات تبدیل می‌کند. خدایا ما تو را دوست داریم دوستدار و محب در مقام نزدیک شدن به محبوب است. محبوب مگر سنگدل باشد که دست رد به سینه او بزند، اما خدایا تو که رحیمی، تو سنگدل و قستی نیستی، «أَمْ بَعْدَ حَبِيٍّ إِلَيْكَ تَبَعْدَنِي» خدایا ما تو را دوست داریم، واقعاً هم راست می‌گوییم، اما عالم به آداب دوستی و مهر ورزی نیستیم. خطا می‌کنیم و سر قرار خوابمان می‌برد. به جای اینکه یک ساعت به اذان بلند شویم، از صمیم دل استغفار کنیم، العفو بگوییم، ادعیه و قرآن بخوانیم و فرمان تو را اجابت کنیم؛ که گفתי ﴿يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾^(۲) به خواب غفلت فرو رفتیم. خدایا این خطا و نسیان ما را خود با رحمت و مغفرت فراگیری به نیکویی پاسخ بده.

«وَقَفْنَا لِلَّهِ وَإِيَّاكُمْ أَنْشَاءَ اللَّهِ»

(۸۴/۹/۲)

۱ - سوره فرقان، آیه ۷۱.

۲ - سوره مزمل، آیه ۱.

با کمال تأسف در حال حاضر
بازار تغذیه روحی از غیر در خانه
وحی آن هم در حوزه علمیه بسیار داغ
شده است. در حالی که فلسفه وجودی
حوزه تبیین معارف اهل بیت علیهم السلام
است... وقتی به جای مکتب اهل
بیت علیهم السلام به منبع دیگری مرتبط و
متصل شد، در نتیجه حتی در مورد
فرعون خواهد گفت: فقبضه (أی الحق)
طاهراً مطهراً...

محل برگزاری جلسات:

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹

(کپی و تکثیر این جزوه با رعایت محتوا و حفظ امانت در نقل مجاز است)